

بررسی تحلیلی نقوش صخره‌ای و رنگی هومیان (چوارتای غرب) در کوه‌دشت لرستان

/// حسن افشاری^۱، کیمیا عسگری^۲

^۱ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، گرایش پیش از تاریخ.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۴-۰۲-۰۲، پذیرش نهایی: ۱۴۰۴-۰۴-۳۰

◀ چکیده

منطقه هومیان در شمال شرقی کوه‌دشت، از توابع استان لرستان و یکی از محوطه‌های مهم تاریخی در زاگرس و فلات ایران است. در این محوطه، تعداد قابل توجهی رنگین‌نگاره یافت شده است. به طور دقیق‌تر می‌توان گفت که چندصد نقش رنگی در فاصله‌ای بیش از ۶ کیلومتر در دامنه قله کوه سرسرخن و در دوره‌های زمانی گوناگون ترسیم شده‌اند. در این نگارش، نگارندگان به معرفی یکی از مهم‌ترین محوطه‌های هومیان می‌پردازند که امروزه به نام چوارتای غرب شناخته می‌شود. در این محوطه، بیش از ۲۴ نقش به رنگ‌های قرمز، قرمز-قهوه‌ای، قرمز-نارنجی و زرد بر روی تخته‌سنگی در پای قله کوه ترسیم شده است. نقوش این محوطه، نسبت به دیگر نقوش هومیان، از لطافت و ویژه‌ای در زیبایی و ترسیم برخوردار است که کمتر می‌توان مشابه آن را در تاریخ هنر صخره‌ای ایران مشاهده کرد. این پژوهش بر پایه مطالعات میدانی و تحلیل‌های کتابخانه‌ای به معرفی و توصیف نقوش چوارتای غرب پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که احتمالاً در گذشته، این محوطه از اهمیت خاصی برخوردار بوده است، زیرا نقوش رنگی آن در چند مرحله زمانی رسم شده‌اند. بر اساس شواهد باستان‌شناسی می‌دانیم که جوامع انسانی دامنه کوه مذکور از دوره پارینه‌سنگی میانه تا دوران معاصر، محل استقرار کوتاه‌مدت جوامع شکارگر و گردآورنده خوراک و سپس جوامع کوچ‌رو و دام‌پرور بوده است. با توجه به شرح نقوش محوطه چوارتای غرب هومیان، در آن هیچ اثری از اهلی‌سازی حیوانات دیده نمی‌شود و بنا به سالیابی نسبی، احتمال دارد جزء قدیمی‌ترین نقوش دره هومیان و منطقه قرار گیرد.

◀ واژگان کلیدی

هنر صخره‌ای، رنگین‌نگاره، کوه‌دشت، هومیان، چوارتا.

◀ مقدمه

هنر صخره‌ای یکی از فراوان‌ترین آثار برجای‌مانده از دوران گذشته است که اکثر آن‌ها احتمالاً توسط مردم عادی ساکن در منطقه به تصویر کشیده شده و به همین دلیل جزو منابع دست اول باستان‌شناسی برای بازسازی گذشته به شمار می‌روند. این هنر در سراسر دنیا به تصویر درآمده و در فلات ایران نیز تعداد قابل توجهی از آن وجود دارد. اما متأسفانه، بیشتر این نقوش قابلیت تحلیل چندانی ندارند. برای مثال، عمده نقوش صخره‌ای به‌دست‌آمده از ایران، تنها تصویر یک حیوان مانند بز وحشی یا اهلی هستند که تکرار بیش از حد آن‌ها نتیجه خاصی در شناخت بهتر گذشته ندارد. در میان هنر صخره‌ای، تعداد محدودی نقوش رنگی وجود دارند که با رنگ طراحی و ترسیم شده و به‌عنوان رنگین‌نگاره شناخته می‌شوند. از میان رنگین‌نگاره‌ها، نقوشی تا به امروز باقی مانده‌اند که به دلیل قرارگیری در محل مناسب، از گزند عوامل تخریب رنگ، مانند نور با شدت بالا و رطوبت زیاد، دور مانده‌اند.

اگر مجموعه محوطه‌های هومیان را تنها یک مرکز قلمداد کنیم، تا کنون بیش از ۲۰ محوطه با نقوش رنگی گزارش شده است که در هر محوطه از ۱ تا بیش از ۵۰ نقش متفاوت یافت می‌شود. از ویژگی‌های نقوش رنگی، تعداد کم و نادر آن‌ها نسبت به سنگ‌نگاره‌ها است. در اکثر موارد، نقوش رنگی از لطافت، زیبایی و مفاهیم بیشتری برخوردارند. در مواردی، این نقوش یک داستان اجتماعی (شاید با اندکی تخیلات هنرمند) را نقل کرده‌اند. مانند نقوش رنگی چشمه سهراب که با توجه به اینکه این نقوش در یک غار دست‌نکش ترسیم شده‌اند، احتمالاً با کاربرد نظامی به دست آمده و مفاد نقوش شامل تعدادی سوارانظام و افرادی مسلح به نمایش درآمده‌اند (افشاری و دیگران، ۱۳۹۸)، یا نقوش سنگ مهرداد به دلیل قرارگیری در مسیر ایل‌راه عشایری، نقوشی با مضمون کوچ جوامع کوچ‌رو را به تصویر کشیده است (افشاری و فروزنده، ۱۴۰۰).

محوطه هومیان در شهرستان کوه‌دشت از توابع استان لرستان قرار دارد. این محل به دلیل قرارگیری در یک دره میان‌کوهی که در آن تعداد قابل توجهی یافته‌های باستان‌شناسی به‌دست آمده، از دیرباز مورد توجه باستان‌شناسان قرار گرفته است (بورنی، ۱۳۴۸). در این محل، بیش از ۲۲ محوطه با نقوش رنگی به دست آمده که می‌توان آن را بزرگترین مجموعه موزه هنر صخره‌ای (با نقوش رنگی) دانست. نقوش به‌دست‌آمده در این مجموعه از اهمیت بالایی برخوردارند، زیرا برخی تصاویر روایت داستانی با مضمون اجتماعی دارند یا برخی حیوانات ترسیم‌شده (مانند گوزن معروف در محوطه چله‌شله) به نظر می‌رسد مدت‌هاست نسل آن‌ها منقرض شده است. احتمالاً ترسیم نقش رنگی در این دره میان‌کوهی از دوره‌های پایانی پارینه‌سنگی تا دوران معاصر مرسوم بوده و اگر این نقوش بازوایی مختلف هنری و درون‌مایه سنجیده شوند، گنجینه‌ای ارزشمند برای شناخت بهتر گذشته به‌شمار می‌روند.

در این مقاله، نگارندگان به توصیف و تحلیل نقوش رنگی محوطه چوارتا از مجموعه هومیان می‌پردازند. نقوش رنگی چوارتا غرب، با اینکه تنها بر روی بخش کوچکی از یک تخته‌سنگ صخره ترسیم شده‌اند، احتمالاً در چندین دوره زمانی ترمیم یا بازطراحی شده‌اند. نگارندگان با توجه به مفاهیم به‌دست‌آمده از تصویر، معتقدند که احتمالاً این نقوش یکی از قدیمی‌ترین تصاویر ترسیم‌شده در منطقه هومیان هستند.

◀ روش پژوهش

این پژوهش بر پایه مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای به معرفی و توصیف بخشی از رنگین‌نگاره‌های صخره‌ای ایران که در شهرستان کوه‌دشت از استان لرستان قرار دارد، که به توصیف و تحلیل آن‌ها پرداخته شده است. مواد پژوهش بر پایه تصاویر حاصل از فعالیت میدانی نگارندگان و جزء اسناد دست‌اول قلمداد می‌شود و می‌تواند بستری برای پژوهش‌های دیگر محققین قرار گیرد.

◀ پیشینه پژوهش

از مهم‌ترین شواهد باستان‌شناسی دره میان‌کوهی هومیان، وجود رنگین‌نگاره‌های گوناگونی است که بر روی صخره‌ها و سنگ‌های بزرگ پراکنده در این دره ترسیم شده است. نخستین انتشار تصویر از نقوش صخره‌ای هومیان توسط آقای حمید ایزدپناه صورت گرفت. او در سال‌های ۱۳۴۸ هجری شمسی (۱۹۶۹ میلادی) برای نخستین‌بار توانست نقوشی به رنگ‌های قرمز و سیاه بر روی دیواره چند غار پیدا کند و از آن‌ها اسلاید و عکس‌های رنگی تهیه نماید و با همکاری انجمن آثار ملی، آن‌ها را به دست رومن گیرشمن برساند (ایزدپناه، ۱۳۴۸: ۱۳-۱۴). پس از اظهار نظر گیرشمن، در همان سال وزارت فرهنگ و هنر و اداره کل باستان‌شناسی از آقای مک‌بورنی، استاد دانشگاه کمبریج و متخصص عصر سنگ، به همراه هیئت خود برای تحقیق در این زمینه دعوت به عمل آوردند. آن‌ها برای تعیین قدمت این نقوش در چهار محوطه میرملاس، هومیان، هومیان ۲ و بردسفید که در یک محوطه شش‌کیلومتری و در دامنه کوه سرسرخ حلقه‌وار و نزدیک به یکدیگر قرار گرفته‌اند، گمانه‌زنی کردند (ایزدپناه، ۱۳۴۸: ۱۳). در جریان این کاوش، یک تخته‌سنگ نقاشی‌شده که در گذشته از صخره جدا شده بود و در آن لایه‌هایی از سفال‌های مشابه نوسنگی وجود داشت، یافت شد (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۵). فهرست نقوش توسط مک‌بورنی ثبت شد و در سال ۱۹۸۴ میلادی توسط ار. بولی ارائه گردید (Bewley, 1984: 1-38). پس از اتمام کاوش‌ها، مک‌بورنی اغلب نقوش هومیان و میرملاس را به ترتیب از دوره نوسنگی و برخی پیش از عصر مفرغ تخمین زد. همچنین نقش اسب‌سواران را نشانه‌ای از عصر مفرغ و سلاح‌های تراش‌خورده را متعلق به

توصیفی جامع از نقوش ارائه دهند و با تحلیل لایه‌های سطح بوم، نقوش از قدیمی به جدید دسته‌بندی کنند.

مبانی نظری پژوهش

از زمان کشف نقوش صخره‌ای تاکنون نظریات گوناگونی بازگو شده است که هرکدام با دیدگاه‌های مختلف به این هنر نگریسته شده است. آنها با توجه به شرایط محیط و زمان، دیدگاه خود را تحلیل کرده‌اند (منصورزاده، ۱۳۹۲). به عقیده نگارندگان عمده نقوش رنگی یافت‌شده در ایران نمی‌تواند صرفاً با نظریه هنر و زیبایی‌شناسی مانند دیدگاه هنر برای هنر دانست. زیرا عمده این نقوش بسیار انتزاعی هستند که نشان می‌دهد خالق اثر تلاش چندانی در راستای زیبایی اثر نداشته و یا زیبایی هدف ثانویه بوده و ترسیم نقوش در نگاه اول بار معنوی داشته که شاید نزدیک‌ترین دیدگاه آن نظریه مشابه جادو و شکار اما نه با نمونه‌های غربی، بلکه با بافت و دیدگاه ایرانی دانست که برای درک بهتر آن نیازمند اطلاعات جامعی از نقوش رنگی صخره‌ای ایران است.

عمده نقاشی‌های رنگی صخره‌ای (رنگین‌نگاره‌ها) در ایران به دلیل شرایط جغرافیایی و اقلیمی دستخوش تغییرات شده و با گذر زمان از بین رفته‌اند. با این حال، در چند دهه گذشته و با توجه به اهمیت این هنر که برخی پژوهشگران به آن داده‌اند، محوطه‌های گوناگونی از این نقوش در سرزمین ایران شناسایی شده است. اما هنوز هیچ تحقیق جامعی در خصوص این نقوش انجام نگرفته است. در اطراف برخی از این نواحی، همراه با رنگین‌نگاره‌ها، ابزار سنگی مربوط به دوران پیش از تاریخ، نوسنگی و پارینه‌سنگی نیز کشف شده است. از جمله این محوطه‌ها می‌توان به پناهگاه آبدوز (قسیمی و دیگران، ۱۳۸۸)، هلك (Nasab et al., 2008)، تداوان (Fazel and Alibaigi, 2012)، هومیان و میرملاس (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۴ و ۱۵) اشاره کرد. همچنین در غار دوشه در لرستان، همراه با نقوش، یک کتیبه با متن آرامی (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۲۴۶) به دست آمده است (که اکنون موجود نیست). متأسفانه در سایر نواحی نیز بررسی جامعی صورت نگرفته است.

دوره‌های اخیر اسلامی دانست. مک‌بورنی در پای صخره‌هایی که نقاشی داشتند، آثار فراوانی از قبیل ذغال، تیغه‌های فلینت فراوان و استخوان‌هایی که از دوران پارینه‌سنگی میانه (موستری) تا خرده‌سفال‌های گوناگون و آثار دوران اسلامی به دست آورد که نشان از سکونت در طول زمان‌های مختلف در پای پناهگاه‌های سنگی هومیان دارد. پس از گزارش مک‌بورنی، خانم کلر گاف در سال ۱۹۷۰ طرح و تصاویری از این نقوش منتشر کردند که در سال ۱۹۶۳ جمع‌آوری شده بودند (Goff, 1970: 27-37). در سال ۱۳۸۰، آقای گارزاییان و همکاران محوطه‌های تازه‌ای از هومیان را معرفی کردند (گارزاییان و دیگران، ۱۳۸۰: ۸۴-۱۰۰). نقوش چوارتای غرب نیز شامل این نقوش می‌شد.

در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷، هیئت ایرانی و بلژیکی بررسی‌های وسیعی در این منطقه انجام دادند (Otte et al., 2003: 8-12) و در نهایت، محوطه‌های ثبت‌شده در هومیان به عدد ۱۹ رسید که در میان آن‌ها از ۱ تا ۶۷ رنگین‌نگاره موجود است (Remacle et al., 2007: 9-17). آقای دکتر حامد وحدتی‌نسب در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ به بررسی محوطه‌های هومیان و در سال ۱۳۹۳ به طرح حفاظت، مرمت و ساماندهی نقوش هومیان و میرملاس پرداخت. اخیراً هم نگارنده اول با همکاری روان‌شاد حسین زارعی در منطقه نوری در کوه‌های سرسرخن هومیان چند نقش جدید شناسایی کرد و همچنین در بررسی‌های نگارنده اول در سال ۱۳۹۷ سه محوطه منقوش در کوه سرسرخن و بخش قله سوره در فاصله ۶ کیلومتری از نقوش بردسفید شرقی و با فاصله ۵۰۰ متری نسبت به یکدیگر شناسایی و منتشر شد (افشاری و باشتنی، ۱۳۹۸). نقوش چوارتا غرب اولین بار در سال ۱۳۸۰ توسط آقای عمران گارزاییان و همکارانش گزارش شد و سپس در سال ۲۰۰۳ توسط مارسل اوت و همکاران بررسی مجدد شد. اما متأسفانه مقاله‌های ذکرشده تنها به شناسایی محوطه چوارتا پرداخته و هیچ تحقیق جامعی بر روی نقوش چوارتا صورت نگرفت و حتی برخی نقش‌هایی که اخیراً با ذغال رسم شده‌اند را نیز جزء نقوش تاریخی دسته‌بندی کردند (Otte et al., 2003: 8-12). در مقاله حاضر، نگارندگان سعی کرده‌اند



شکل ۱. ۱. نقوش رنگی باش‌محله، ۲. نقوش رنگی میمند، ۳. نقوش رنگی پیروگران سراوان، تصویر از نگارندگان.

بلوچستان، تنگه تداوان و تیهو در فارس، نرگسلو در بجنورد که نقوش بسیار شبیه یکدیگر و با یک رنگ واحد هستند (شکل ۳). در برخی نواحی مانند هومیان و میرملاس، چند صد نقوش با رنگ، سبک و لایه‌های گوناگون بر روی سنگ‌های صخره‌ای به نمایش درآمده‌اند. احتمال می‌رود که این نقوش به دلیل تداوم حضور انسان‌ها در کنار این دره‌های میان‌کوهی در چندین بازه زمانی مختلف ترسیم شده باشند. طبق تحقیقات کلرگاف و سپس مک‌بورنی، در هومیان آثار متعلق به دوره پارینه‌سنگی میانه تا دوران اسلامی و معاصر یافت شده است (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۵) (Goff, 1971: 133). عمده این نقوش به رنگ قرمز تیره (احتمالاً گل‌خرا) کشیده شده‌اند و بیشترین نقوش به دست آمده در این منطقه تصویر بز است که به صورت واقع‌گرایانه یا انتزاعی ترسیم شده است. احتمالاً بیشترین نقوش بانوک انگشتان دست و در برخی موارد با استفاده از اجسام نوک‌تیز مانند استخوان یا چوب نقاشی شده‌اند. دلیل این امر را می‌توان به برخی نقوش بسیار ظریف اشاره کرد (شکل ۴).

نیمی از نقوش یافت‌شده در ایران دارای سبک انتزاعی هستند و نیمی دیگر احتمالاً تصاویر واقع‌گرایانه‌ای را به تصویر می‌کشند. نقوش انتزاعی شامل نقوشی هستند که در محوطه‌های مختلفی مانند باش محله در فاروج خراسان شمالی (افشاری و دیگران، ۱۴۰۰)، اشکفت لارشکورگویییه در میمند کرمان (افشاری و دیگران، ۱۳۹۸ ب)، و پیرگوران در سراوان سیستان و بلوچستان (Sarhaddi, 2013: 1-8) شناسایی شده‌اند (شکل ۱). نقوش واقع‌گرایانه مانند نقوش کوه دنبه در اصفهان (Karimi, 2014: 118-134)، نقوش غار چشمه سهراب (افشاری و دیگران، ۱۳۹۸ الف)، سنگ مهرداد و عمده نقوش هومیان در کوه‌دشت لرستان (افشاری و فروزان، ۱۴۰۰) (شکل ۲) می‌توان نام برد.

در برخی نواحی نقوش احتمالاً تک‌دوره هستند یا اگر در چند رنگ مختلف رسم شده است نمی‌توان دوره زمان‌های بسیار متفاوتی را تاریخ‌گذاری کرد مانند: باش محله و زینه کانلو در فاروج خراسان شمالی، آبدوزو در فارس، پیرگوران در سراوان سیستان



شکل ۲. ۱. نقوش کوه دنبه (تصویر از Karimi, ۲۰۱۴)، ۲. نقوش چشمه سهراب، ۳. نقوش سنگ مهرداد، تصویر از نگارندگان.

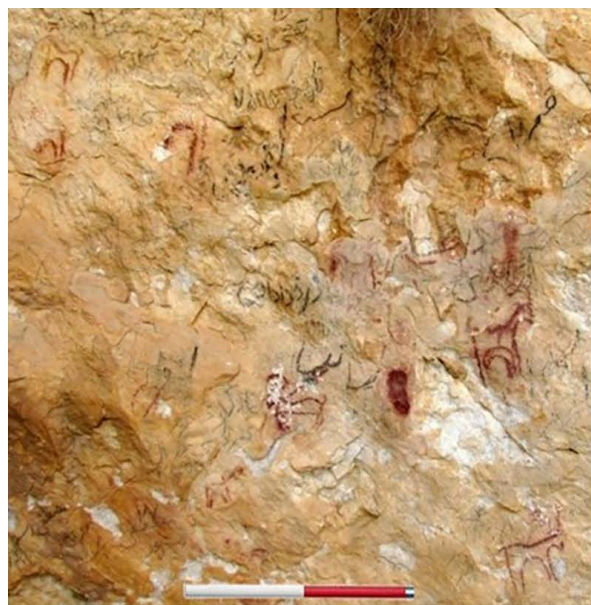


شکل ۳. ۱. نقوش باش محله، ۲. آبدوزو، ۳. پیرگوران، ۴. تداوان، ۵. تیهو، ۶. نقوش نرگسلو، ۷. زینه کانلو، تصویر از نگارندگان.

۱۳۹۹) اشاره کرد. هم‌اکنون مردم ساکن در اطراف این محل‌ها برای رفع حاجات خود، شمع روشن می‌کنند و خیرات می‌دهند. در مواردی دیگر، مانند نقوش سنگ مهرداد، نقوشی احتمالاً واقع‌گرایانه در کوهپایه‌های هومیان و منطقه‌ای دورافتاده در مسیر راه عشایر ترسیم شده‌اند که صحنه حرکت عشایری را به نمایش می‌گذارند. در این نقوش، تعدادی انسان سوار بر حیوانات چهارپا (اسب یا الاغ) به همراه شترهای در حال



شکل ۵. نمای کلی نقوش محوطه اشکفت‌آهو، مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۹) برخی نقوش ریخته از طرح (صادقی، ۱۳۸۱) بازسازی گردیده است.



شکل ۶. نقوش رنگی چوارتای غرب، تصویر از نگارندگان.

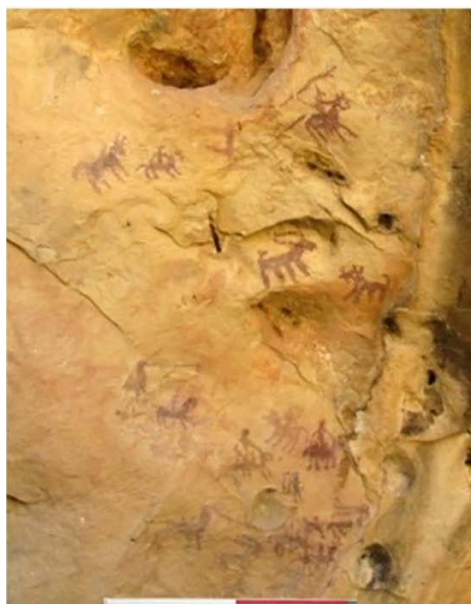
در برخی موارد، در میان نقوش، تصویر انسانی سوار بر حیوان چهارپا یا شتر مشاهده می‌شود که می‌توان حدس زد قدمت این نقوش نمی‌تواند قدیمی‌تر از دوران تاریخی باشد. اما در مواردی نیز نقوشی دیده می‌شوند که هیچ‌گونه نشانه‌ای از اهلی‌سازی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود، مانند نقوش اشکفت‌آهو (شکل ۵) در بستک هرمزگان (صادقی، ۱۳۸۱) و چوارتای غرب در هومیان که نقش فردی با ابزار ابتدایی تیر و کمان در حال شکار است (Otte, 2003) (شکل ۶). البته این احتمال نیز وجود دارد که زندگی مبتنی بر شکار در دوران تاریخی این منطقه وجود داشته باشد و ارتباطی به دوران پیش از تاریخ نداشته باشد (Afshari et al., 2022).

در برخی موارد، برخی نقوش امروزه مانند قدمگاه دارای تقدس هستند. از جمله این نقوش می‌توان به نقوش اشکفت لارشکورگویییه در میمند (افشاری و دیگران، ۱۳۹۸) و تکه در روستای نرگسلوی بجنورد (افشاری و صدرجمالی،



شکل ۴. نمونه‌ای از نقوش ظریف هومیان که احتمالاً با ابزار نوک تیز رسم شده است، تصویر از نگارندگان.

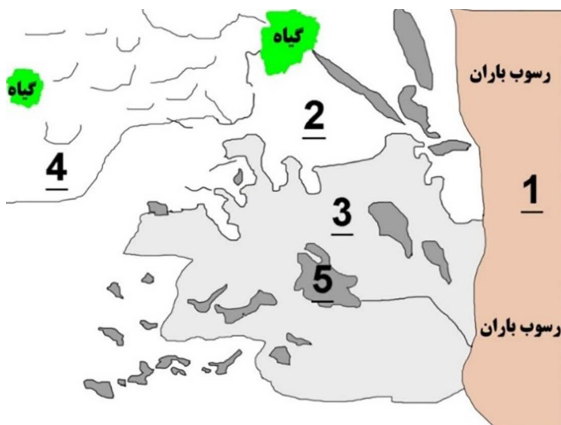




شکل ۷. نقوش رنگی سنگ مهرداد، تصویر از نگارندگان.



شکل ۸. نمای از بخش عمده نقوش چوارتای غرب، تصویر از نگارندگان.



شکل ۹. پوسته های سطح صخره (بوم) نقوش بر روی آن رسم گردیده است، طراحی از نگارندگان.

حرکت یا بسته شده به زمین، همراه با بزها و یک سگ اهلی، دیده می‌شوند که یادآور حرکت عشایری این منطقه تا چند دهه پیش است. در نزدیکی این نقوش، قبرستانی با سفال‌هایی از هزاره اول و هزاره دوم قبل از میلاد شناسایی شده است (افشاری و فروزان، ۱۴۰۰) (شکل ۷).

نقوش رنگی هومیان

رنگین نگاره‌های گوناگونی در ایران کشف شده‌اند که گزارش‌هایی از محوطه‌های مختلف مانند نرگسلوی علیا، باش محله و زینه کانلو در خراسان شمالی (افشاری و صدرجمالی، ۱۳۹۹)، میرملاس و دوشه در کوه‌دشت (ایزدپناه، ۱۳۴۸)، اشکفت آهو (Afshari et al., 2022)، چشمه سهراب (افشاری و دیگران، ۱۳۹۸ الف)، کوه دنبه (Karimi, 2014)، آبدوز و تنگه تداوان (Ghasimi et al., 2010)، تنگه تیهو (Fazel and Alibaigi, 2012)، گل دمچه (Mansouri and Lotfinasab, 2016)، هلیک (Vahdati Nasab et al., 2008)، شمس‌علی و گرگ‌علی (Hemati Azandaryani et al., 2015) منتشر شده است. تمامی این محوطه‌ها تنها تک‌محوطه‌هایی هستند که نقوش رنگی در آن‌ها یافت شده‌اند. اما منطقه هومیان ویژگی خاصی دارد. در این منطقه، نقوش رنگی در امتداد دامنه صخره‌های کوه سرسرخن به طول بیش از ۶ کیلومتر و در بیش از ۲۲ محوطه ترسیم شده‌اند. در هر بخش از این محوطه‌ها، تعداد نقوش متفاوتی از ۲ تا ۶۷ نقش دیده می‌شود. بنابراین، هومیان را می‌توان به‌عنوان یک مجموعه موزه هنر صخره‌ای دانست که یادگاری‌های فراوانی از انسان‌های مختلف در طول زمان‌های متمدنی ترسیم شده است. با مستندنگاری و تحلیل این نقوش، شاید بتوان بخشی

• برداسپید شرق: ۱۰ نقش با رنگ زرد

• قله سوره غرب: عمده نقوش بر اثر رسوبات و سستی سطح سنگ صخره آسیب دیده‌اند؛ نقوش باقی‌مانده به رنگ‌های قرمز تیره و قرمز قهوه‌ای هستند

• قله سوره شرق: عمده نقوش بر اثر رسوبات و سستی سطح سنگ صخره آسیب دیده‌اند؛ نقوش باقی‌مانده به رنگ‌های قرمز روشن، قرمز تیره، قرمز-قهوه‌ای، زرد، نارنجی، قهوه‌ای و مشکی هستند.

چوارتای غرب

نقوش چوارتای غرب در غربی‌ترین قسمت هومیان و در ارتفاع ۱۷۵۰ متر از سطح دریا واقع شده‌اند. این نقوش بر روی تخته‌سنگ بزرگ در بدنه کوه سرسرخن یا کیزه، نزدیک به پای قله، قرار گرفته است. نقوش با رنگ‌های قرمز، قرمز-قهوه‌ای، قرمز نارنجی و زرد کشیده شده‌اند و سبک هنری آن‌ها با دیگر محوطه‌های هومیان تفاوت دارد. تمامی نقوش این محوطه با خط ساده و احتمالاً با انگشتان دست رسم شده‌اند، اما از زیبایی و لطافت منحصر به فردی نسبت به دیگر نقوش هومیان برخوردار هستند. احتمالاً در گذشته، نقوش بیشتری بر روی این سطح از سنگ (بوم) وجود داشته که متأسفانه به دلیل رسوبات باران از بین رفته‌اند. دلیل این ادعا را می‌توان به تک نقش سالم در غرب رسوبات نسبت داد که همگونی با دیگر نقوش زرد رنگ سمت شرق رسوبات و صخره دارد. به نظر می‌رسد رسوبات در وسط مجموعه نقوش قرار گرفته‌اند (شکل‌های ۱۵ و ۱۶).

چندین لایه پوسته سنگ در صخره چوارتا غرب دیده می‌شود (شکل ۹)، که بخش وسیعی از سطح صخره (بوم) به صورت طبیعی یا بر اثر ضربه‌های سنگ ثانویه تراش خورده است و سطحی نسبتاً یکنواخت برای طراحی فراهم کرده که عمده نقوش در این سطح از سنگ قرار گرفته‌اند. به واسطه پوسته‌های گوناگون سطح صخره، می‌توان نقوش را از قدیم و جدید تقسیم‌بندی کرد.

از میان مجموعه رنگ‌های به کار رفته در این محوطه، رنگ قرمز-قهوه‌ای بیشترین کاربرد را داشته است. این رنگ با اینکه در سبک‌شناسی همگون است، اما به نظر می‌رسد که در چندین دوره زمانی متفاوت رسم شده‌اند، زیرا نقوش به این رنگ با چند درجه تغییر و تفاوت در نوع قرمزی و در چند لایه سطح صخره (بوم) مشاهده می‌شود. نقوش به رنگ زرد بسیار انتزاعی و ابتدایی بوده و فاقد زیبایی‌شناسی خاصی هستند. سبک نقوش عموماً ذهنی است و هیکل‌ها به صورت خطوط مختلف رسم شده‌اند و برخی دست و پاها تنها با یک یا دو خط آن هم با نوک انگشتان دست رسم شده‌اند.

اکثر نقوش حیوانی چوارتا غرب نیم‌رخ هستند و تنها یک قوچ؟ (شکل‌های ۱۰ و ۱۱) و یک گوزن برای نشان دادن جزئیات بیشتر



شکل ۱۰. نقش گرافیکی نقوش چوارتای غرب همراه با پوسته‌های سطح صخره سنگی، طراحی از نگارندگان.

از ناشناخته‌های گذشته مردمان منطقه را بازسازی کرد و درک بهتری از چشم‌انداز باستان‌شناسی این منطقه به دست آورد.

نقوش رنگی شناسایی شده در دره هومیان تا به امروز عبارتند از:

• سنگ مهرداد (دره): حداقل ۴۰ نقش به رنگ‌های قرمز و قرمز تیره

• سنگ مهرداد (دیوار سنگی): ۹ نقش به رنگ‌های قرمز و زرد

• نوری: نزدیک به ۱۰ نقش به رنگ قرمز-قهوه‌ای

• چوارتا غرب: حدود ۱۶ نقش به رنگ‌های زرد، قرمز و مشکی

• چوارتا مرکزی ۲: یک نقش به رنگ قرمز-قهوه‌ای

• چوارتا مرکزی ۱: ۲۱ نقش به رنگ مشکی

• چوارتا شرق ۳: ۴۰ نقش به رنگ‌های قرمز و مشکی

• چوارتا شرق ۲: حداقل ۲ نقش

• چوارتا (چارتا) شرق: حداقل ۲ نقش

• چلگه شله غرب: حداقل ۸ نقش به رنگ قرمز تیره

• چلگه شله مرکزی (تخته سنگ کوچک ۲): ۱۰ نقش به رنگ قرمز

• چلگه شله مرکزی (تخته سنگ کوچک ۱): ۳۰ نقش به رنگ زرد

• چلگه شله مرکز غرب: ۱۰ نقش به رنگ‌های قرمز-قهوه‌ای

• چلگه شله مرکز شرق: حداقل ۶۷ نقش به رنگ‌های قرمز،

مشکی و قهوه‌ای

• چلگه شله شرق: حداقل ۱۷ نقش به رنگ‌های قرمز و مشکی

• ارا رمیا غرب: حداقل ۵ نقش به رنگ‌های قهوه‌ای و قرمز

• ارا رمیا شرق: ۱۰ نقش به رنگ‌های قهوه‌ای، زرد و قرمز (اکنون

تنها دو نقش باقی مانده‌اند. بر اساس گزارش رمسل،

تخته‌سنگی با نقوش رنگی از صخره ارا رمیا شرق جدا شده

و برای حفاظت به موزه باستان‌شناسی خرم‌آباد انتقال یافته

است (Remacle et al., 2007: 16):

• برد اسپید غرب: ۲۳ نقش قرمز و زرد

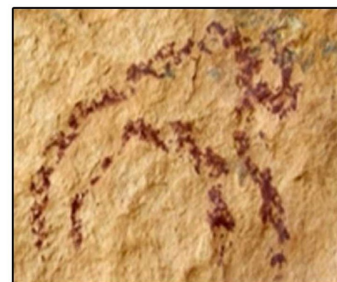
• برداسپید مرکزی: حدود ۵ نقش با رنگ قرمز-قهوه‌ای



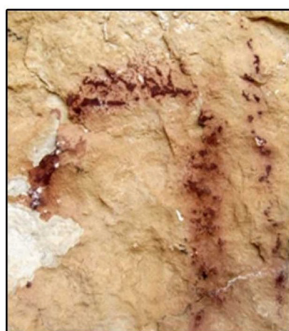
نقش یک بز یا دمی سر به بالا دیده می‌شود که نیمه شمالی تصویر به واسطه فرسایش کم‌رنگ گردیده. ابعاد تصویر ۱۲ در ۱۳ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.



کمی پایی تر از نقش اول قرار گرفته است و تصویر یک بز می‌باشد. این تصویر از معدود نقوشی می‌باشد که تمام تصویر به رنگ قرمز-قهوه ای رنگ شده است گویا این رنگ آمیزی بر روی یک نقش قدیمی تر به رنگ قرمز- نارنجی صورت گرفته است. چراکه هنوز تصویر شاخ‌های این بز با رنگ قدیمی تر و کم‌رنگ دیده می‌شود و هنرمند در هنگام بازسازی از شاخ‌های قدیمی استفاده کرده است و تغییری ایجاد نکرده است. ابعاد تصویر ۱۷ در ۱۹ سانتی متر ارتفاع می‌باشد.



اولین نقش از سمت چپ تصویر شامل حیوانی چهار پا خمیده پشت و نامعلوم می‌باشد در ابعاد ۷ در ۴ سانتی متر ارتفاع می‌باشد.



نقش احتمالاً به صورت ناقص و به رنگ قرمز-قهوه ای رسم شده است. تنها سه پای یک حیوان چهارپا قابل مشاهده است به ابعاد ۱۴ در ۱۶ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.



نقش یک بز به رنگ قرمز نارنجی می‌باشد، شاخ‌های این حیوان به دلیل پوسته شدن و افتادگی سنگ بوم از بین رفته است و هنرمند در زمانی دیگر شاخی به رنگ قرمز به این نقش اضافه کرده است. ابعاد نقش ۱۳ در ۱۲ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.



نقش چند اثر رنگ قرمز-قهوه ای که بر اثر پوسته شده و افتادگی سطح سنگ آسیب دیده است. شاید تصویر انسان یا حیوانی باشد. در ابعاد ۶ در ۱۰ سانتیمتر ارتفاع قابل رویت است.



نقش حیوانی چهار پا خمیده پشت و نامعلوم، به رنگ قرمز-قهوه ای به ابعاد ۱۲ در ۸ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.



نقش بزی زیبا و منحصر به فرد در هنر صخره ای ایران با صورتی سه رخ و شاخ‌ها به اطراف پادمی سر به بالا، به رنگ قرمز-قهوه ای در ابعاد ۱۴ در ۱۷ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.



نقش دو خط موازی به رنگ قرمز-قهوه ای به ابعاد ۷ در ۱۰ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.

شکل ۱۱. برخی نقوش محوطه صخره‌ای چواتا غرب، تصویر از نگارندگان.

کشف شده‌اند، همگون است (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۴). احتمالاً تمامی نقوش به صورت مفرد رسم شده‌اند جز تصویر انسان کمان‌دار که در جلوی او حیوان شکاری دیده می‌شود و به نظر می‌رسد در حال پرتاب تیر دومی به یک شکار باشد (تیر اول در حال اثبات به شکار

شاخ‌ها به صورت سه رخ رسم شده‌اند (شکل‌های ۱۰ و ۱۲). تنها تصویر انسانی این محوطه به صورت روبه‌رو و تمام رخ با حالت دست‌های نیم رخ رسم شده است (شکل‌های ۱۰ و ۱۲)، که احتمالاً طبق توصیف مک‌بورنی، با دیگر نقوش محوطه‌های هومیان که تا سال ۱۹۶۹



نقش بزی به رنگ قرمز، احتمالاً بر روی نقش قدیمی تر رسم شده است و شاید تصویر قبلی به دلیل تخریب هوازی و افتادگی سنگ و یا به دلیل تراش سطح سنگ در یک برهه زمانی خاص برای بستر سازی نقش جدید از بین رفته است و تنها لکه های به رنگ زرد در بالای شاخ بز دیده می شود. ابعاد نقش ۱۲ در ۱۳ سانتیمتر ارتفاع می باشد.



نقش حیوانی با انعطاف بدنی خمیده، در اطراف صورت او اثرات رنگ افشان بسیار می باشد شاید پال او تزیین شده است به رنگ قرمز قهوه ای و در ابعاد ۱۷ در ۱۳ سانتیمتر ارتفاع می باشد.



چند اثر رنگ قرمز قهوه ای و غیر قابل شناسایی رسم شده است.



نقش لکه ای به رنگ قرمز- قهوه ای در ابعاد ۷ در ۱۶ سانتیمتر ارتفاع که احتمالاً به واسطه کف دست رسم شده است.



نقش بزی با سبک نسبتاً متفاوت با هنرهای صخره ای ایران دیده می شود. تیر کمانی در حال اثابت به او می باشد. گویا اخیراً به دلیل ضربه های فراوان آسیب دیده است. به رنگ قرمز- قهوه ای در ابعاد ۱۷ در ۱۸ سانتیمتر ارتفاع می باشد.



نقش حیوانی شبیه بز به رنگ زرد در شمالی ترین قسمت بوم نقاشی رسم شده است تصویر کاملاً انتظایی می باشد در ابعاد ۱۰ در ۱۲ سانتیمتر ارتفاع می باشد.



چند نقش مرتبط به هم در تصویر دیده می شود. انسانی با کمان در دست چپ و تیری به سمت بزی به سمت شرق پرتاب نموده است و در حال پرتاب تیر دومی می باشد و کنار او حیوانی (شکاری؟) دیده می شود.



نقش بزی به رنگ قرمز- قهوه ای در ابعاد ۲۳ در ۲۹ سانتیمتر ارتفاع می باشد.



تصویر گوزنی بسیار زیبا و یکی از شاخصه های هنر صخره ای ایران که با دقت بالایی رسم شده است با شاخ های بزرگ و ماریج در اوج سادگی و تنها با رسم چند خط زیبایی و لطافت خاصی را نمایش می دهد. به رنگ قرمز- قهوه ای در ابعاد ۲۲ در ۲۸ سانتیمتر ارتفاع می باشد.

شکل ۱۲. برخی نقوش محوطه صخره ای چوارتا غرب، تصویر از نگارندگان.

رنگ، به صورت بخشی از یک حیوان چهارپا و تعدادی اثرات رنگ باقی مانده اند و احتمالاً در آخرین مرحله نقاشی شده اند. جنس صخره سرسرخن از سنگ های رسوبی و آهکی هستند که به مرور زمان بر اثر عوامل تخریب انسانی و فرسایش طبیعی (هوازدگی) پوسته شده و تحلیل رفته اند. این عامل باعث گردیده نقوش رنگی این محوطه در پنج پوسته متفاوت

است. به طور کلی، نقوش چوارتا غرب شامل تصویر تعدادی بز، قوچ، یک گوزن، حیوانی خمیده با پشتی نامعلوم، به همراه انسانی کمان به دست، در حال شکار است و احتمالاً این نقوش در دوره های گوناگون و به صورت مفرد رسم شده اند، جز نقش انسان شکارگر که با دو یا سه تصویر در ارتباط است (شکل های ۱۰ و ۶). تعدادی نقوش به رنگ قرمز کم رنگ نیز دیده می شود که احتمالاً به دلیل نامرغوبی



مقداری اثر رنگ قرمز با طرح های ناشناخته گویا حیوانی به جهت رو به بالا در میان رنگ ها رویت می شود.



چند اثر رنگ قرمز قهوه ای و غیر قابل شناسایی رسم شده است.



قسمت شمالی بوم گویا بخشی از سنگ های سطح به دلیل بستر سازی برای سطحی صاف تراش خورده است و تنها قسمت هایی از سطح قدیمی سنگ اثراتی از لکه های رنگ قرمز تیره دیده می شود.



لکه ای به رنگ قرمز- قهوه ای که گویا با انگشتان دست رسم شده است زیرا اثرات رد انگشت در قسمت پایین نقش قابل رویت است. در ابعاد ۱۷ در ۱۰ سانتیمتر ارتفاع می باشد.



نقش حیوانی ناشناس در سمت راست بوم و بعد از رسوبات ناشی از باران قرار گرفته است که شاید بیانگر این باشد که در گذشته بومی با نقش های بیشتری توسط هنرمندان؟ رسم شده است که امروز مقدار محدودی در برابر عوامل تخریبی انسانی و طبیعی مقاومت کرده اند. تصویر به رنگ زرد و مشابه آن شمال چپ بوم (شمال تجمع نقوش) دیده می شود. ابعاد تصویر ۱۰ در ۱۳ سانتیمتر ارتفاع می باشد.



شکلی انتزاعی از یک حیوان چهار پا ابعاد ۱۰ در ۱۴ سانتیمتر ارتفاع

شکل ۱۳. برخی نقوش محوطه صخره‌ای چوارتای غرب، تصویر از نگارندگان.

۱۰) تصویر حیوان بزسان است که گویا بعد از رسم بر اثر افتادگی سطح سنگ نقش مذبور آسیب دیده است و در دوره‌ای دیگر با رنگ ناهمگون تصویر تکمیل شده است.

گاهنگاری نسبی نقوش

در نقوش چوارتای غرب هیچ اثری از گاهنگاری نسبی مشاهده نمی‌شود، جز تصویر یک انسان با کمان در دست و حیوان گربه‌سان که احتمالاً شکاری است (جثه و گردن این حیوان شباهتی به سگ ندارد). دیگر نقوش این محوطه شامل تعدادی بز، قوچ، گوزن و دو حیوان خمیده‌پشت و نامعلوم هستند. متأسفانه در این نقوش نشانی از اهلی بودن حیوانات دیده نمی‌شود و انسان کمان‌به‌دست با پرتاب تیر در حال شکار حیوانی مانند بز است که احتمالاً وحشی است.

بر اساس داده‌های باستان‌شناسی به‌دست‌آمده از محیط نقوش، آثاری از دوره موستری تا دوره اسلامی یافت شده است که نشان‌دهنده توالی سکونت در مجاورت نقاشی‌ها هستند (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۳-۱۶). همچنین، در حال حاضر در پایین کوهپایه، محل سکونت عشایر قرار دارد (صفا، ۱۳۹۱: ۱۱۶). به گفته پژوهشگرانی چون عباس علیزاده، با مطالعه بر روی عشایر

سنگ مشاهده شود که احتمالاً هر کدام دوره زمانی متفاوت ترسیم شده‌اند. لایه به‌ترتیب شامل موارد زیر است: (شکل ۹).

۱. رسوبات ناشی از باران (شکل ۹/۱).
۲. پوسته سطح رویی بوم (طبیعی‌ترین سطح پوسته صخره است) (شکل ۹/۲).

۳. پوسته تراش‌خورده (انسانی) یا ریختگی طبیعی سطح بوم (بخش وسیعی از سطح سنگ گویا یا به‌صورت طبیعی یا انسانی افتاده و بستری صاف برای تصویرنگاری فراهم شده است) (شکل ۹/۳).

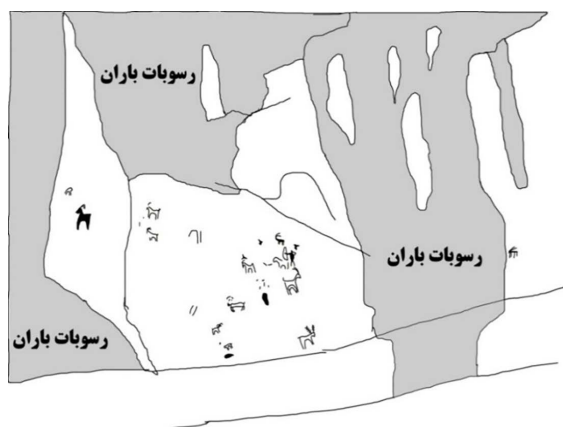
۴. افتادگی پوسته سنگ در سمت شمال شرق (این قسمت از سنگ سست هستند و احتمالاً به‌دلیل نم‌زدگی و تغییرات اختلاف دما به‌صورت طبیعی فرسایش داشته و به دو نقش رنگی در شمال بوم آسیب رسانده است) (شکل ۹/۴).

۵. شکستگی‌های فراوان در عمق سطح که به‌صورت چاله نمایان است. گویا بعد از ترسیم نقوش ایجاد شده است (همگی باعث تخریب نقوش رنگی شده‌اند) (شکل ۹/۵).

بر اساس پوسته‌های سطح سنگ نقوش چوارتا می‌توان به چند دسته قدیم و جدید تقسیم کرد. برای مثال بالای (شکل



شکل ۱۴. تصویری گرافیکی از نقوش کلی چوارتا، تصویر از Otte et al, 2003.



شکل ۱۵. نمای کلی از محوطه چوارتای غرب به همراه رسوبات ناشی از باران در اطراف نقوش، طراحی از نگارندگان.



شکل ۱۶. نمای کلی محوطه چوارتا غرب، تصویر از نگارندگان.

بختیاری، مسیر حرکت کوچ‌روهای زاگرس از دوران پیش از تاریخ تا دوران معاصر یکسان بوده است (علیزاده، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۶). این مسیرها که به «ایل‌راه» معروف‌اند، معمولاً بر مبنای ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی انتخاب می‌شوند و به همین دلیل، ایل‌راه‌ها از پتانسیل بالای ارتباط و زیستگاه برخوردار بوده‌اند و مسیر حرکت جوامع کوچ‌رو در طول زمان‌های متمادی بوده است (شه‌بازی، ۱۳۶۶) (علیزاده، ۱۳۸۷).

خانم کلر گاف، در سال ۱۹۶۷ میلادی، برای شناسایی محوطه‌های تاریخی عشایری کوه‌دشت با عشایر از منطقه گرمسیری رومشکان به منطقه سردسیر نورآباد کوچ کرد و از کوه‌های سرسرخن و هومیان عبور کرد. او در نهایت موفق به کشف و بررسی محوطه‌های زیستگاهی و گورستانی از دوره نوسنگی تا دوران اسلامی در این مسیر شد. گاف معتقد بود که عشایر این منطقه از گذشته‌های دور تا آن سال ۱۹۶۷ میلادی این مسیر را به‌عنوان زیستگاه انتخاب کرده بودند و استقرار جماعت نیمه‌یکجانشین و کوچ‌نده، که امروزه بیشتر گورستان‌هایشان باقی‌مانده است، وجود داشت (Goff, 1971: 133). لازم به ذکر است که قبل از قانون یکجانشینی در سال ۱۳۱۰، جمعیت و دسته‌های عشایری زیادی در محوطه‌های زاگرس مستقر بودند (شیشه‌گر، ۱۳۸۴: ۲۵).

با توجه به دلایل فوق، ترسیم نقوش این محوطه به دوره‌های گوناگون می‌توان نسبت داد. تنها راه شناخت درست، آزمایش سالیابی مطلق به روش رسوب‌سنجی (اورانیوم سری) است (Edwige et al., 2014). پس از انجام این آزمایش‌ها بر روی چند لایه از سطح صخره محوطه چوارتای غرب، می‌توان تاریخ دقیقی برای نقوش ارائه داد. با این حال، به دلیل اینکه در اکثر نقوش هومیان تصویر انسان سوارکار یا ادوات نظامی مانند

شمشیر دیده می‌شود و با توجه به تعداد قابل توجه نقوش در محوطه چورتای غرب و نبود هیچ اثر شاخصی که به یک یا چند دوره تاریخی خاص اشاره داشته باشد، همچنین به دلیل سبک متفاوت این نقوش نسبت به نقاشی‌های دیگر محوطه‌های هومیان، نگارنده احتمال می‌دهد که ترسیم اولیه نقوش این محوطه از قدیمی‌ترین نقوش هومیان هستند و شاید به دوره فرایارینه‌سنگی یا اوایل نوسنگی بازگردند.

آسیب‌شناسی نقوش

نقوش هومیان به دو صورت طبیعی و انسانی در حال تخریب هستند:

تخریب طبیعی خود به سه دسته تقسیم می‌شود.

۱. نور اطراف محیط به مرور هزاره‌ها بر نقوش تأثیر گذاشته و در آینده بیشتر خواهد شد.

۲. رشد گیاهان در اطراف نقوش و ریشه‌کردن گیاهان در دل صخره باعث شکستگی سطح سنگ منقوش (بوم) می‌شود (شکل ۹).

۳. رسوبات ناشی از آب باران: چنانچه پیش‌تر ذکر شد نقوش چورتا بر روی تخته سنگی در پای صخره و متصل به قله سرسرخن رسم شده است که متأسفانه در فصل بارندگی و جاری شدن آب باران در اطراف و یا روی نقوش باعث رسوب می‌شود (شکل ۱۵ و ۱۶) و در نتیجه در طول زمان بخش عمده‌ای از نقوش به واسطه این رسوبات از بین رفته‌اند و برخی دیگر از نقوش بیش از پنجاه درصد آسیب دیده است، این نقوش فاقد هرگونه پوشش و نگهدار هستند و با گذر زمان بر تخریب آن افزوده می‌شود.

تخریب عوامل انسانی دو دسته است:

۱. حفاری‌های غیرمجاز در پا نقوش برای به دست آوردن داده‌های فرهنگی.

۲. خلق آثار هنری جدید بر روی نقوش قدیمی، تراشیدن نقوش، ضربه بر اثر سنگ و آب ریختن بر روی نقوش برای وضوح بهتر از عوامل تخریبی انسانی است (شکل ۱۴).

نتیجه‌گیری

نقوش چورتای غرب در کوه‌های سرسرخن در دره هومیان از منطقه کوه‌دشت لرستان واقع شده است. چورتا یکی از چندین محوطه منقوش مجموعه هومیان است که اولین بار در سال ۱۳۸۰ گزارش و معرفی شده است. بخش‌هایی از نقوش به دلیل رسوبات ناشی از باران از بین رفته‌اند و در حال حاضر تنها ۲۴ نقش به رنگ‌های قرمز، قرمز-قهوه‌ای، قرمز-نارنجی و زرد بر روی تخته سنگی صخره‌ای با ابعاد ۴ در ۱٫۵ متر ارتفاع مشاهده می‌شود. نقوش چورتا احتمالاً با نوک انگشتان دست رسم شده‌اند. با رسم چند خط موازی و زاویه‌دار به صورت ساده، نقوشی زیبا خلق شده‌اند که مشابه آن در هنر صخره‌ای

ایران مشاهده نمی‌شود و در نوع خود خاص هستند. این نقوش شامل حیواناتی مانند بز، قوچ؟، یک گوزن، دو حیوان خمیده‌پشت و نامعلوم، و یک انسان با کمان در دست در حال شکار یک حیوان است که جلوی او یک گربه‌سان قرار دارد. در تصویر هیچ اثری از اهلی بودن حیوانات دیده نمی‌شود، به همین دلیل گاه‌نگاری نسبی در میان نقوش چورتا غرب بسیار مشکل است. بررسی‌های محیطی نیز کمک زیادی به قدمت‌یابی نقوش نمی‌کند، چرا که از دوران پارینه‌سنگی میانه تا دوران معاصر سکونت در جوار نقاشی‌های چورتا و هومیان وجود داشته است. بر اساس تحقیق خانم گاف، می‌دانیم که از زمان نوسنگی تا دوران معاصر، دشت هومیان مسیر حرکت جوامع کوچ‌رو در منطقه بوده است. تنها می‌توان به واسطه پوسته‌های متفاوت سطح سنگ، احتمال داد که نقوش چورتا در دوره‌های زمانی گوناگونی رسم شده‌اند. به همین دلیل، تا آزمایش سالیابی مطلق به روش تحلیل رسوب‌گذاری (اورانیوم سری) بر روی تکتک نقوش انجام نشود، نمی‌توان نظری قطعی در مورد قدمت نقوش داد. با این حال، به نظر نگارندگان، با توجه به اینکه در اکثر نقوش هومیان تصویر انسان سوارکار یا ادوات نظامی مانند شمشیر مشاهده می‌شود و همچنین با توجه به تعداد محدود نقوش در محوطه چورتای غرب و عدم وجود هیچ اثر شاخصی که نشان‌دهنده یک دوره تاریخی خاص باشد، احتمال می‌دهند که نقوش چورتا از قدیمی‌ترین نقوش دره هومیان باشند.

فهرست منابع فارسی

- افشاری، حسن و فروزان، فریدا (۱۴۰۰). «بررسی زندگی اجتماعی عشایر پیشین ساکن در دره هومیان با تکیه بر مطالعه نقوش صخره‌ای سنگ مهرداد». *رهپویه هنرهای تجسمی*. دوره ۴. شماره ۲. ص ۷۳-۸۳. doi: 10.22034/ra.2021.244948
- افشاری، حسن؛ باشتنی، مرضیه (۱۳۹۹). «نقوش رنگی تازه کشف‌شده هومیان». *نشریه باستان پژوه، انجمن علمی باستان شناسی دانشگاه تهران*. سال ۱۳۹۹ سال نوزدهم و بیستم، سری جدید، شماره ۶ و ۷، پیاپی ۲۴. ص ۱۰۲-۱۲۰.
- افشاری، حسن؛ صدرجمالی، شبنم (۱۳۹۹). «معرفی رنگین نگاره‌های صخره‌ای خراسان شمالی در شرق ایران». *نشریه باستان شناسی ایران، دانشگاه شوشتر*. دوره ۱۰، شماره ۲.
- افشاری، حسن؛ طاهرآبادی، مریم؛ رنجبری، راهله (۱۳۹۸ الف). «بازنگری بر روی نقوش چشمه‌سهراب کرمانشاه». *نشریه باستان کاوی، انجمن علمی دانشگاه شهید بهشتی*. سال دوم، شماره ۲.
- افشاری، حسن؛ ناصری فرد، محمد؛ واحدی، حسین (۱۳۹۸ ب). «مستندنگاری و بررسی کهن‌الگوهای نقوش رنگی پناهگاه صخره‌ای لاشکوریگویی در میمند کرمان در سال ۱۳۹۶». *اولین کنفرانس باستان‌شناسی و تاریخ هنر، دانشگاه*.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۵۰). *آثار باستانی لرستان*. جلد اول. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.

Houmian, Mir Malas, and Barde Spid. Iran». *Journal of the British Institute of Persian Studies*. Volume 22. Pages 1-38.

Fazel, L.; Alibaigi, S. (2012). «Discovery of Cave Art in the Province of Fars, Southern Iran». *Rock Art Research*. Volume 29. Issue 2. Pages 187-190.

Ghasimi, T.; Barfi, S.; Nouruzi, R. (2010). «New Found Pictographs from Abdozou Rock Shelter, Firouz Abad, Southern Zagros». *Iranian Archaeology*. Volume 1. Issue 1. Pages 17-26.

Goff, Cl. (1970). «Neglected Aspects of Luristan Art». *Jaarboek van het Genootschap Nederland-Iran stichting voor culturele betrekkingen* [Annuaire de la Société Néerlandaise-iranienne]. Volume 5. Pages 27-37.

Goff, Cl. (1971). «Luristan Before the Iron Age». *Journal of the British Institute of Persian Studies*. Volume 9. Pages 131-152.

Hemati Azandaryani, Esmail H.; Qolami, Hossein; MohammadiFar, Yaghoob; Razmposh, Abass (2015). «Discovering New Rock Paintings at Shmsali and Gorgali Rock Shelters in Kohgiluyeh and Bouier Ahmad Province, Southern Iran». *Arts*. Volume 4. Issue 2. Pages 61-67.

Karimi, Ebrahim (2014). «The Rock Paintings of Kuh-e-Donbeh in Esfahan, Central Iran». *Arts*. Volume 3.

Otte, M.; Adeli, J.; Remacle, L. (2003). «Art Rupestre de l'Ouest Iranien». *INORA (International Newsletter on Rock Art)*. Volume 37. Pages 8-12.

Pons-Branchu, Edwige; Bourrillon, Raphaëlle; Conkey, Margaret W.; Fontugne, Michel; Fritz, Carole; Gárate, Diego; Quiles, Anita; Rivero, Olivia; Sauvet, Georges; Tosello, Gilles; Valladas, Hélène; White, Randall (2014). «Uranium-series Dating of Carbonate Formations Overlying Paleolithic Art». *Interest and Limitations. Bulletin de la Société préhistorique française*. Volume 111. Issue 2.

Remacle, L.; Adeli, J.; Otte, M. (2007). «New Field Research on Houmian Rock-Art, Lorestan Province, Iran». *Bastanpazhuhi*. Volume 11. Issue 3. Pages 9-17.

Sarhaddi, Fereshteh. (2013). «Pictographs and Petroglyphs of Saravan (Sistan-Baluchistan, Iran)». *Ancient Asia*. Volume 4. Issue 3. Pages 1-8.

Vahdati Nasab, H.; Rezaei, M. H.; Naderi, R. (2008). «Helak, A Palaeolithic Cave Complex Featuring Rock Art Along the Northern Shore of Parishan Lake, Fars Province, Iran». *Name-ye Pazhuheshgah, Journal of the Research Institute of I.C.H.T.O.*. Volume 22/23. Pages 91-96.

ایزدینا، حمید (۱۳۴۸ الف). «نقاشی‌های پیش از تاریخ در غارهای لرستان». *مجله باستان‌شناسی و هنر*. شماره ۳. ص ۱۱-۶.

بورنی، مک، چارلز (۱۳۴۸). «گزارش مقدماتی بررسی و حفاری در غارهای منطقه کوه‌دشت برای تعیین تاریخ نقش‌های پیش از تاریخ ناحیه لرستان». ترجمه: ذبیح الله رحمتیان. *باستان‌شناسی و هنر ایران*. شماره ۲. وزارت فرهنگ و هنر. تابستان ۱۳۴۸. ص ۱۴-۱۶.

شیشه‌گر، آرمان (۱۳۸۴). *گزارش کاوش محوطه سرخدم/کی، کوه‌دشت لرستان*. تهران: نشر پژوهش‌گده باستان‌شناسی.

شهبازی، عبدالله (۱۳۶۶). *مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر تهران*: نشر نی.

صادقی، خالد. (۱۳۸۱). *بررسی فن‌شناسی، آسیب‌شناسی و ارائه طرح حفاظتی نقاشی‌های پیش از تاریخ اشکفت آهویی بستک*. پایان‌نامه کارشناسی، گروه مرمت آثار، دانشگاه هنر اصفهان.

صفا، مینا (۱۳۹۱). «تاریخ‌گذاری نقوش صخره‌ای هومیان و میرملاس بر اساس تفسیر تصاویر آنها». *نشریه نامه ایران باستان*. سال یازدهم، شماره اول و دوم. ص ۲۱-۲۲.

صفی‌نژاد، جواد (۱۳۷۵). *فرهنگ جغرافیایی کوه‌دشت*. تهران: نشر سازمان نقشه‌برداری کشور.

علیزاده، عباس (۱۳۸۷). *شکل‌گیری حکومت عشایری و کوهستانی عیلام*. شهرکرد: انتشارات اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری چهارمحال و بختیاری.

قسیمی، طاهر و دیگران (۱۳۸۸). «بررسی نقاشی‌های صخره‌ای پناهگاه صخره‌ای آبدوزو، فیروزآباد فارس». *نشریه باستان‌شناسی ایران*. سال اول پاییز و زمستان، شماره ۱. ص ۱-۱۱.

گاراژیان، عمران؛ عادل، جلال؛ پاپلی یزدی، لیلیا (۱۳۸۰). «سنگ‌نگاره‌های تازه کشف‌شده همیان. *نشریه انسان‌شناسی*. دوره ۱. شماره ۲. ص ۱۴-۲۰.

منصورزاده، یوسف (۱۳۹۲). «تحلیلی بر ماهیت نقاشی‌های غاری پیش از تاریخ اروپا». *نشریه هنرهای زیبا هنر تجسمی*. دوره ۱۸. شماره ۲. ص ۵-۱۶.

فهرست منابع لاتین

Afshari, Hassan; Nekouei, Parisa; Forouzan, Farida. (2022). «Impact of Climate Changes on the Life Style of Hunter Communities in Bastak Region, Hormozgan Province (Case Study: Rock Paintings of Eshkaft-e-Ahou)». *Journal of Archaeology and Archaeometry*. Volume 1. Issue 1. June 2022.

Bewley, R.H. (1984). «The Cambridge University Archaeological Expedition to Iran 1969. Excavations in the Zagros Mountains:

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Published by Soore University. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

